

شهید محمد اندر خور



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و دوازدهمین استان بوخار

نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۲/۱۰
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۲/۲۴
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بردستان

زندگینامه

شهید محمد اندر خور در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ای مذهبی در بردستان به دنیا آمد. دوران کودکی را در دامن پاک مادر و با رزق حلال پدر پشت سر گذاشت. در سن هفت سالگی وارد دبستان شد؛ در مدرسه یکی از شاگردان ممتاز بود و هرگز از درس خواندن خسته نمی شد. اخلاق خوب و چهره معصومش، زبانزد دانش آموزان شده بود. دوران ابتدایی را با موفقیت به اتمام رساندی و وارد مدرسه راهنمایی بردستان شد. ورودش به دوره راهنمایی، همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود. شهید با وجودی که بسیار کوچک بود، در پخش اعلامیه های انقلابی و شرکت در راهپیمایی ها نقش موثری داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی، شهید اندر خور همچون دیگر پیروان حضرت امام خمینی (ره) هرگز از توطئه ضدانقلاب غافل نشد و در سنگر مدرسه به پاسداری از انقلاب اسلامی می پرداخت. پس از تشکیل انجمن های اسلامی دانش آموزان در مدارس در آبانماه ۱۳۵۸؛ یکی از اعضای فعال انجمن اسلامی مدرسه راهنمایی بردستان بود، با تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان حضرت امام (ره)، به خدمت در این ارگان انقلابی پرداخت و پس از پایان دوره راهنمایی، وراد دبیرستان شد. شهید در دبیرستان نیز آرام نمی گرفت و به افشاگری جریان های ضد اسلامی و ضد انقلابی ادامه می داد.

از ابتدای آغاز جنگ تحمیلی، بارها خواستار اعزام به جبهه شد که به دلایلی موافقت نمی شد. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱ با اعزام او به جبهه موافقت شد و به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد. شهید اندر خور در میدان رزم، یکی از شجاع ترین سربازان اسلام بود، چنانکه برادران همسنگرش می گویند: وقتی که به محاصره ی کامل تانک های دشمن در آمده بودیم، او با روحیه ی بسیار عالی و با قلبی مطمئن و امیدوار به آینده، با دشمنان بعضی می جنگید و می گفت اگر تکه تکه بشوم، نه عقب نشینی می کنم و نه اسیر دشمن می گردم که سلالخره در این نبرد نابرابر بر اثر اصابت گلوله تانک های دشمن به زمین می افتد و در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۴ به آرزوی دیرینه اش، شهادت، نائل می گردد. پیکر پاک و مطهرش، ۴ ماه بر روی خاک های سوزان می ماند و پس از چهار ماه در جوار دوستان و همزمان شهیدش در گلزار شهدای بردستان به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی

من این راه را به دلخواه خود انتخاب کردم و در راهم به شهادت میرسم، راهی که حسین و هفتاد و دو تن از یارانش در آن جان خود را از دست دادند و بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهادهام، چرا که خون سرخ شهیدان از هایل تا حسین و از حسین تا شهدای کربلای جنوب و غرب ایران صدایم میزنند که چیست تو را؟ و چرا نشسته‌ای و به آن راهی که ما در آن راه جان خود را از دست داده ایم نمی روی؟

آخر ما مسلمان هستیم و در عصری و زمانی زندگی می کنیم که ظلم تمام جهان را فراگرفته است و ما باید خون بدهیم و آنقدر شهید بدهیم تا اسلام عزیز با ظهور مهدی (عج) پیروز شود و قسط و عدل در سایه توحید برپا شود و به فرمان امام امت، خمینی بت شکن اسلحه به دوش می گیرم و برای مبارزه با ظلم و ستم راهی شهر شهادت میشوم. همانطور که پیغمبر اسلام فرمود: شرافتمندترین مرگها، شهادت است. من نیز به ندای آنها پاسخ مثبت می دهم و شهادت را در راه خدا و احیای حق مستضعفین برگزیدم و باید بگویم رفتن از این دنیای فانی به دنیای ابدی، هجرت از یک زندگی سلولوار است به یک گلستان همیشگی.

آری من فقط برای برقراری حکومت عدل اسلامی در جهان تحت رهبری نائب امام زمان (امام خمینی) و برای نجات مستضعفین جهانو برپایی جمهوری اسلامی به رهبری ولایت فقیه و برای نابودی گروهکهای وابسته به ابر قدرت های چپ و راست که خود را حامی خلق می دانند و در حقیقت دشمن خلق هستند؛ پا به میدان مبارزه گذاشتم و تا آخرین قطره خون خود و آخرین نفس مبارزه خواهم کرد و بدانید که من جز برای رضای خدا مقصودی دیگر نداشتم.

پدر مهربانم و مادر مهربانم مرا حلال کنید و صبر داشته باشید که با صبر در راه خدا اجر عظیمی به شما خواهد رسید و ای خواهران مهربانم مگریید که دشمنان خوشحال می شوند و همچون زینب پیام را به گوش مردم برسانید. برادران گرامیام در مرگ من نگران نباشید و صبر و استقامت داشته باشید و با مشت محکم خود دهان کمونیستها و عمال غرب را خرد کنید و ای مردم به من جوان ناکام نگویید زیرا این راه که همان راه انبیاست و راه یگانه پاسدار کربلا حسین ابن علی است انتخاب کردم. و ای برادران گرامیام اسلحهام را به دوش بگیرید و راهم را ادامه دهید بالاخره همزمان بسیجیام در مرگ من ناراحت نباشید و با صبر و استقامت خود همچون گذشته مشت محکمی بر دهان توطئه گران چپ و راست بزنید و یک نصیحتی به شما دوستان عزیزم دارم، البته کوچکتر از آنم که به شما چیزی بگویم و نصیحتم این است که شما را به خدا قسم قدر و ارزش یکدیگر را بدانید و از غیبت به یکدیگر و کبر و غرور حب دنیا پرهیزید و وقتی از آنها دوری کردید اینقدر قوی می شوید که احساس می کنید خدا را دارید میبینید.

وسفارش آخرم به شما مردم این است : وحدت خود را حفظ کنید و پیرو ولایت فقیه باشید و به حرفهای امام عزیزمان گوش کنید. دیگر عرضی ندارم دریایان برادران عضو بسیج و انجمن اسلامی ابوذر و پدر و مادر و خواهران و برادرانم سلام می رسانم.

و السلام

سرباز کوچک اسلام □ محمد اندخور



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران